

ده نامه سرایی در ادبیات فارسی

دکتر رضا فرصتی جویباری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر

چکیده

ده نامه، گونه‌ای از ادبیات غنایی است که معمولاً در حالات عاشق و معشوق می‌باشد. و اغلب در آن غزلیاتی نیز از زبان عاشق و معشوق در لا به لای مثنوی می‌آید. اولین کسی که در میان مثنوی غزل گنجانده عیوقی در منظومه ورقه و گلشاه می‌باشد. ده نامه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نوع اول ده نامه‌های بی‌نامه مانند ده نامه فخرالدین عراقی، ده نامه همام تبریزی و ده نامه شرف الدین رامی. نوع دوم ده نامه‌های یکسویه که به صورت نامه‌های یکطرفه است مانند ده نامه فخرالدین اسعد گرگانی و ده نامه عماد فقیه. نوع سوم ده نامه‌های دوسویه که متعارف‌ترین نوع ده نامه است. مانند ده نامه اوحدی مراغه‌ای، ده نامه عبید زاکانی و ده نامه ابن عماد خراسانی و... . همچنین در ادبیات فارسی منظومه‌هایی وجود دارد به نام سی نامه که به پیروی از ده نامه‌ها سروده شده است. مانند سی نامه امیرحسین حسینی هروی و سی نامه کاتبی ترشیزی. شاه اسماعیل اول صفوی (خطایی) نیز ده نامه‌ای به ترکی دارد.

واژه‌های کلیدی: ده نامه گونه، ده نامه، غزل مثنوی، سی نامه.

مقدمه

ده‌نامه در عرف ادب معمولاً گونه‌ای از منظومه‌های غنایی است که بیشتر آن‌ها حاوی ده نسخه‌نامه به ترتیب یک در میان از زبان عاشق و معشوق به همدیگر بوده و در لابه‌لای نامه‌ها هم غزلی چاشنی مثنوی می‌شود. مرحوم دکتر صفا ده‌نامه (عشاقنامه) فخرالدین عراقی را منشأ ده‌نامه‌ها در ادب فارسی می‌داند (صفا، ذ.، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۵۵۵) اما دکتر رشید عیوضی ده‌نامه اوحدی مراغه‌ای را کهن‌ترین ده‌نامه متعارف در ادب فارسی می‌داند. (عیوضی، ر، ده‌نامه‌گویی در ادب پارسی، ص ۵۲۶).

از آنجا که همه ده‌نامه به یک گونه نیستند ده‌نامه‌ها را می‌توان بر حسب داشتن یا نداشتن و کیفیت نامه‌ها به سه دسته تقسیم کرد: ده‌نامه بی‌نامه، ده‌نامه یکسویه و ده‌نامه دوسویه^(۱).
اوج ده‌نامه‌سرایی در ادبیات فارسی در قرن هشتم هجری می‌باشد. از آنجا که ده‌نامه معمولاً دارای غزلیاتی در مطاوی مثنوی می‌باشد، می‌توان پیش از ده‌نامه به آثاری ده‌نامه‌گونه اشاره کرد.

ده‌نامه‌گونه‌ها

منظور از ده‌نامه‌گونه‌ها آثاری است که از نظر زمانی معمولاً پیش از ده‌نامه بوده و ساختاری چون ده‌نامه دارد یعنی در لا به لای مثنوی غزل گنجانده شده است. بعضی شعرا به خاطر تنوع و زیبایی کلام و تأثیرگذاری بیشتر و گریز از یکنواختی و ملال‌آوری اثر، دست به ابتکار زده، قالب‌هایی چون غزل و ... را وارد مثنوی می‌کردند (رستگار فسایی، م، انواع شعر فارسی، ص ۴۳۰) ظاهراً اولین کسی که در لا به لای مثنوی غزل به کار برده است عیوقی در منظومه ورقه و گلشاه می‌باشد.

ورقه و گلشاه در شمار نخستین منظومه‌های داستانی فارسی است که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری سروده شده است. در منظومه ورقه و گلشاه ده غزل بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعل / فعل: بحر متقارب مثنی محذوف / مقصور» یعنی وزن اصلی منظومه وجود دارد. از ده غزل فوق شش غزل از زبان ورقه و دو غزل از زبان گلشاه و دو غزل نیز از زبان فردی به نام ربیع بن عدنان می‌باشد. (عیوقی، ورقه و گلشاه، از ص ۵۳ به بعد)

پس از عیوقی، امیر خسرو دهلوی در «قران السعدین» نیز غزلیاتی در مطاوی مثنوی گنجانده است. امیرخسرو ۲۱ غزل در اوزان و بحور مختلف در لا به لای مثنوی درج کرده است. (امیرخسرو دهلوی، قران السعدین، از ص ۴۹ به بعد)

امیر خسرو در منظومه «نه سپهر» نیز طرحی نو افکنده بدین صورت که نه سپهر را در نه

۱- این تقسیم بندی از این کمترین است و در جایی هیچگونه تقسیم بندی از ده‌نامه‌ها ندیده‌ام.

باب و هر باب را بر وزنی مستقل ساخته و هر باب با فصل را یک سپهر نامیده است. در هر کدام از این سپهرها از یکی از مقامات اقران سخن رانده و هر سپهر را با غزلی پایان بخشیده است. (رستگار فسایی، م، انواع شعر فارسی، صص ۴۳۶ و ۴۳۷)

پس از امیر خسرو، خواجهی کرمانی در «گوهرنامه» نیز دنباله کار عیوقی و امیرخسرو را گرفته است. گوهرنامه منظومه‌ای است بالغ بر هزار بیت بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» که دارای ۹ غزل بر وزن خود مثنوی است. (خواجهی کرمانی، خمسه خواجه، از ص ۲۰۹ به بعد) از ویژگی‌های این نه غزل این است که مطلع این غزلیات با بیت ماقبل موقوف‌المعانی است و این بر سلامت و جذابیت سخن افزوده است. خواجه در منظومه همای و همایون نیز غزلی بر وزن «فعولن فعولن فعولن فعل / فعول: بحر متقارب مثنی محذوف / مقصور» می‌آورد که بر وزن مثنوی است. (خواجهی کرمانی، خمسه خواجه، ص ۲۷۹)

از دیگر آثاری که دارای غزل یا قالبهای دیگری در میان مثنوی است «جمشید و خورشید» سلمان ساوجی شاعر مشهور قرن هشتم هجری است.

جمشید و خورشید منظومه‌ای است بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» که در لا به لای مثنوی غزل و قالبهای دیگری به کار رفته است. در جمشید و خورشید بیست بیت مفرد، یک دو بیتی، شانزده رباعی، نوزده قطعه و پنجاه غزل به کار رفته است. این قالبها در اوزان و بحور مختلف سروده شده است. (سلمان ساوجی، جمشید و خورشید، از ص ۴ به بعد)

شاید هیچ شاعری تا این اندازه از قالبهای دیگر در لا به لای مثنوی استفاده نکرده و سلمان در این کار افراط کرده است.

ده نامه‌های بی‌نامه

ده‌نامه‌های بی‌نامه آثاری است که در ادبیات فارسی به ده‌نامه شهرت دارد اما بدنه آنها را نامه‌ها تشکیل نمی‌دهد. از این دسته ده‌نامه‌ها، سه ده‌نامه مشهور در ادبیات فارسی داریم: ده‌نامه فخرالدین عراقی، ده‌نامه همام تبریزی و ده‌نامه شرف‌الدین رامی. ده‌نامه (عشاقنامه) فخرالدین عراقی منظومه‌ای است بیش از هزار بیت که به نام شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی سروده شده و در ده فصل و هر فصل مشتمل بر مثنوی و غزل به بحر خفیف و بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی می‌باشد.

کلماتی است از مخارج اصل اندرو هست مندرج ده فصل

شاعر در هر یک از فصول دهگانه و مقدمه و خاتمه منظومه مبحثی از مباحث عرفان را

مطرح کرده و با تمثیل و حکایتی به پایان برده است. (صفا، ذ، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ صص ۵۷۶ و ۵۷۷) در ده نامه عراقی نوزده غزل یافت می‌شود که همگی بر وزن خود مثنوی است. (عراقی، ف، کلیات فخرالدین عراقی، از ص ۳۸۹ به بعد) یکی از ویژگی‌های ده نامه عراقی، وفور کلمات عربی است که در هیچ ده نامه‌ای تا این اندازه یافت نمی‌شود.

صحبت نامه همام تبریزی نیز که نام ده نامه بر آن نهاده‌اند مثنوی‌ای است بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور که قریب به چهار صد بیت می‌باشد. (همام تبریزی، دیوان همام تبریزی، از ص ۲۵۹ تا ص ۲۸۱) در صحبت‌نامه همام نه نامه‌ای از سوی عاشق در آن یافت می‌شود و نه نامه‌ای از سوی معشوق اما همچون ده نامه‌های دیگر محتوایی عاشقانه دارد و در مطاوی مثنوی آن غزل درج است. در ده نامه همام، شاعر خود عاشق است ولی نامی از معشوق آورده نمی‌شود. در ده نامه همام چهار غزل وجود دارد که هر چهار غزل بر وزن مثنوی است و بر خلاف بسیاری از ده نامه‌ها مطلع هیچکدام از غزلیات با بیت ماقبل موقوف‌المعانی نیست.

از دیگر ده نامه‌های بی‌نامه در ادب فارسی ده نامه یا ده فصل شرف‌الدین محمد رامی متخلّص به «شرف» شاعر قرن هشتم هجری است. منظومه ده نامه او مثنوی‌ای است، نزدیک به چهارصد و پنجاه بیت به بحر رمل و بر وزن مثنوی معنوی و ظاهراً تنها ده نامه‌ای است که به بحر رمل می‌باشد. (رامی، ش، انیس‌العشاق و چند اثر دیگر، از ص ۱۱۳ تا ص ۱۳۳) از ویژگی‌های منحصر به فرد دیگر این ده نامه این است که به صورت مناظره می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های این ده نامه نبود غزل در آن است. این ده نامه در مناظره‌شانه و آینه، مناظره‌گوشواره و عنبرینه (گردنبند)، مناظره یاره و انگشتی، مناظره غالیه با خضاب و مناظره شمع و مجمر است. هر کدام از ده نفری که در پنج مناظره فوق قرار دارند یا در شمار لوازم معشوقند یا در شمار زینت معشوق یا در شمار زینت مجلس معشوق. در هر مناظره نیز داوری در پایان نظر کلی می‌دهد و سخن او فصل الخطاب است. داور در مناظره اول شخص عاشق، در مناظره دوم شخص عارف، در مناظره سوم شخص عاقل و در مناظره چهارم، یک شاعر و در مناظره پنجم شخص کامل است و نام هیچ یک از داوران در ده نامه برده نمی‌شود. جز در مناظره اول که هیچ یک از طرفین مدّعی غالب نمی‌شود در چهار مناظره دیگر، یکی از طرفین غالب می‌شود ولی در پایان شخص داور نظر قطعی می‌دهد و نتیجه هر پنج مناظره این است که اسباب و لوازم فوق که طرفین مدّعی در مناظرات هستند موقعی ارزشی دارند که منسوب به معشوق باشد و گر نه به خودی خود ارزشی را دارا نیستند و در واقع یادآور سخن افصح‌المتکلمین است که می‌فرماید:

به زیورها بیاریند مردم خوبرویان را تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی

ده نامه‌های یکسویه

نوع دیگر ده نامه‌ها، ده نامه‌های یکسویه است. بدنهٔ این ده نامه‌ها را نامه‌ها تشکیل می‌دهد اما نه نامه‌های دو طرف (عاشق و معشوق) به همدیگر، بلکه نامه‌های یکسویه که فردی برای فرد یا افراد دیگر می‌فرستد. از این نوع ده نامه، دو ده نامه مشهور در ادبیات فارسی می‌بینیم یکی ده نامهٔ فخرالدین اسعد گرگانی و دیگری ده نامهٔ عماد فقیه. در این ده نامه‌ها جواب‌نامه‌ای نمی‌بینیم. البته این بدان معنی نیست که هرگز این نامه‌ها جواب داده نشده است بلکه اگر جوابی داده شده، جواب نامه جزو ده نامه به حساب نمی‌آید.

ده نامهٔ فخرالدین اسعد که بخشی از ویس و رامین اوست (فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین، از ص ۲۶۱ تا ص ۲۸۲) ده نسخه نامه است که ویس برای رامین می‌نویسد:

کنون ده در بخوایم گفت نامه به دیداری که خون بارد ز خامه

موضوع این ده نامه که قدیمی‌ترین ده نامهٔ موجود در ادب فارسی است عبارت است از: ۱ - در صفت آرزومندی و درد جدایی. ۲ - دوست را به یاد داشتن و خیالش را به خواب دیدن. ۳ - اندر بدل جستن به دوست. ۴ - خوشنودی نمودن از فراق و امید بستن بر وصال. ۵ - اندر جفا بردن از دوست. ۶ - اندر نواختن و خواندن دوست. ۷ - اندر گریستن به جدایی و نالیدن به تنهایی. ۸ - اندر خبر دوست پرسیدن. ۹ - در شرح زاری نمودن. ۱۰ - اندر دعا کردن و دیدار دوست خواستن.

در این ده نامه، ویس با وجود معشوق بودن اظهار نیازهای فراوان به رامین می‌کند و از رامین می‌خواهد که بی‌وفایی نکند و بر سر و پیمان آید. این نامه را ویس آنگاه برای رامین می‌نویسد که رامین با دختری به نام «گل» ازدواج کرده و مدتی رویگردانی رامین از ویس حاصل شده است. این ده نسخه نامه را پیکری به نام «آذین» به رامین می‌رساند و رامین نیز در نامه‌ای به ویس جواب می‌دهد، اما جواب نامهٔ ویس از سوی رامین جزو ده نامه نیست.

ظاهراً این ده نامه تنها ده نامه به سبک خراسانی است. بدیهی است که ویژگی‌های بارز سبک خراسانی در این اثر نمودار است. از جمله این که در صد ابیات مردّف در این ده نامه کمتر از ده نامه‌های دیگر است (کمتر از ۱۵٪) از ویژگی‌های دیگر این ده نامه این است که درصد ابیات ذوقافیتین و محجوب آن با توجه به ده نامه‌های دیگر نسبتاً بالاست. این ده نامه تنها ده نامه‌ای است که بخشی از یک اثر است و نیاز، جای ناز را در ویس می‌گیرد، چنانکه این ده نامه را می‌توان ده نامهٔ اظهار نیاز نامید.

ده نامه عماد فقیه نیز ده نسخه نامه است که عماد برای ممدوحان یا دوستان خود نوشته است. (عماد فقیه کرمانی، پنج گنج، از ص ۲۰۷ تا ص ۳۴۸) چهار نسخه نامه از این ده نامه به علاوه دیباچهٔ آن در مدح شاه شجاع مظفری است که ممدوح خواجه حافظ شیرازی نیز می‌باشد.

(ناظرزاده کرمانی، ا، تحلیل دیوان و شرح حال عمادالدین ...، ص ۲۰۱) عماد این نامه‌ها را در قالب‌های مثنوی و قصیده و در اوزان و بحور مختلف سروده و در بعضی نامه‌ها غزلیاتی را چاشنی مثنوی یا قصیده کرده است. عماد خود در آغاز این ده نامه مدعی است که خواسته است «طرحی نو» از خاطر برون آورد:

گر آنها جمله بر یک وزن گفتند جواهر همسر و همسنگ سفتند
تو طرحی نو برون آور ز خاطر که گردد صورتش نقش ضمائر

عماد این ده نامه را که قریب هفتصد و پنجاه بیت می‌باشد به شاه شجاع تقدیم کرده است. وزن غالب این ده نامه «مفاعیلن مفاعیلن فعولن/ مفاعیل: بحر هزج مسدس محذوف / مقصور» می‌باشد. ظاهراً عماد این ده نسخه نامه را در زمانهای متعدد برای مخاطبین سروده و در پایان مقدمه‌ای بر آن نگاشته و به شاه شجاع تقدیم کرده است.

ده نامه‌های دوسویه

نوع دیگر ده نامه‌ها ده نامه‌های دوسویه است. وقتی صحبت از ده نامه‌ها در ادب فارسی به میان می‌آید معمولاً منظور از آن همین نوع از ده نامه‌ها می‌باشد. ده نامه‌های دو سویه معمولاً ده نامه‌هایی است که در آن دو قطب عشق یعنی عاشق و معشوق که معمولاً نامشان برده نمی‌شود به همدیگر نامه می‌نویسند (ده نسخه) که پنج نسخه نامه از سوی عاشق و پنج نسخه نامه از سوی معشوق می‌باشد. نامه‌ها یک در میان از سوی عاشق و معشوق به همدیگر است یعنی نامه‌های به شماره فرد از سوی عاشق و نامه‌های به شمار زوج از سوی معشوق می‌باشد. نامه‌های عاشق حاوی نیاز و سرگردانی او و نامه‌های معشوق حاوی ناز و سرگرانی اوست. در لا به لای هر یک از نامه‌ها نیز غزلی اصولاً بر وزن مثنوی از زبان عاشق یا معشوق بیان می‌شود که بیانگر نیاز و ناز هر یک از طرفین می‌باشد. مشهورترین این ده نامه‌ها عبارتند از: ده نامه (منطق العشاق) اوحدی مراغی، ده نامه (عشاق نامه) عبید زاکانی، ده نامه (تحفه العشاق) رکن صاین هروی، ده نامه (محبت نامه) ابن نضوح شیرازی، ده نامه (روضه المحبین) ابن عماد خراسانی شیرازی، ده نامه (محبوب القلوب) حریری و ده نامه (روضه العاشقین) عزیزالله زاهدی. هر کدام از ده نامه‌های فوق چنانکه ذکر شد دارای نام خاصی نیز می‌باشد. اصولاً پیکی (معمولاً باد صبا) نامه عاشق و معشوق را به همدیگر می‌رساند. سرانجام بیشتر اینگونه ده نامه‌ها نیز به وصال منجر می‌شود و معمولاً غزل دهم که از زبان معشوق به عاشق است مژده وصال به عاشق می‌باشد.

طراح ده نامه‌های دوسویه را قاعدتاً باید اوحدی به شمار آورد. چرا که اولین ده نامه بازمانده دوسویه به شیوه متعارف و معمول ده نامه‌ها از اوست. البته اوحدی خود در آغاز ده نامه به وجود

ده نامه‌های دیگر نیز اشاره می‌کند که کهنه شده‌اند و از سخن او برمی‌آید که شیوه او در ده نامه تازگی داشته و دیگر ده نامه‌ها به شیوه او نبوده است. آرایش نامه‌ها در ده نامه (منطق العشاق) اوحدی اینگونه است: ۱ - نامه (از زبان عاشق یا معشوق) ۲ - غزل ۳ - مثنوی یا فرد ۴ - آگاه شدن معشوق از حال عاشق یا رسیدن نامه آنان به همدیگر ۵ - خلاصه سخن ۶ - حکایت ۷ - تمامی سخن (عیوضی، ر، ده نامه‌گویی در ادب پارسی، صص ۵۲۶ و ۵۳۳ و ۵۳۷) ده نامه اوحدی منظومه‌ای است بیش از پانصد بیت (اوحدی مراغی، کلیات اوحدی مراغی، از ص ۴۵۵ تا ص ۴۷۹) بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدس محذوف / مقصور» و در آن ده غزل درج است که آنها نیز بر وزن مثنوی است. مطلع بیشتر غزلیات با بیت ماقبل موقوف‌المعانی است. در دیوان اوحدی بر وزن و قافیۀ هیچ یک از ده غزل فوق غزلی وجود ندارد. پایان این ده نامه نیز به وصال می‌انجامد. اوحدی این ده نامه را بنا به درخواست و به نام خواجه وجیه‌الدین یوسف بن اصیل‌الدین بن خواجه نصیرالدین طوسی ساخته است.

از آنجا که شیوه اوحدی در ده نامه‌سرایی سرمشق ده نامه‌سرایان دوسویه در ادب فارسی قرار گرفته است و با توجه به زیبایی و جذابیت این ده نامه که هم فضل تقدم و هم به نظر این کمترین تقدم فضل بر ده نامه‌های دیگر دارد به معرفی بیشتر این ده نامه و ذکر ابیاتی از این اثر می‌پردازیم:

عاشق در نامه اول که برای معشوق می‌نویسد اظهار عشق و نیاز به او می‌کند و غزلی ۷ بیتی را مندرج در مثنوی می‌کند که سه بیت زیر از آن است:

عنايت‌ها توقــــع دارم از تو	که هم آشفته و هم زارم از تو
عزیزی پیش من چون جان اگرچه	به چشم خلق گیتی خارم از تو
طبيب من تویی مشکل توانم	که درد خویش پنهان دارم از تو

(کلیات اوحدی، ص ۴۵۹)

معشوق نیز در نامه اول خویش - که دومین نامه ده نامه است - عاشق را از عشق و عواقب آن برحذر می‌دارد و غزلی ۷ بیتی را که سه بیت زیر از آن است مندرج در مثنوی می‌کند:

تو می‌نالی و کس را زان خیر نه	وزان زاری تو را خود درد سر نه
دل اندر مهر من بستی و آنگاه	ز من حاصل به جز خون جگر نه
مرا زلفی چون زنجیرست و از تو	کسی در عاشقی دیوانه‌تر نه

(کلیات اوحدی، ص ۴۶۱)

این نامه‌رسانی عاشق و معشوق ادامه پیدا می‌کند و در طی آن عاشق اظهار نیاز و سرگردانی و معشوق اظهار ناز و سرگرانی می‌کند و در مطاوی هر نامه نیز غزلی از زبان هر یک از دو قطب عشق بیان می‌شود.

مثلاً معشوق در دومین نامه خویش - نامه چهارم ده نامه - چند بیت زیر را از غزلی ۸ بیتی که در لابه لای مثنوی قرار گرفته برای عاشق می‌فرستد:

مشو عاشق که جانت را بسوزد	غم عشق استخوانت را بسوزد
تو آتش می‌زنی در خرمن خویش	ندانی این و آنت را بسوزد
مخور خوبان آتش خوی را غم	که روزی خان و مانت را بسوزد
ز لعلم چاشنی جستی به بوسه	نترسیدی دهانت را بسوزد؟

(کلیات اوحدی، ص ۴۶۵)

عاشق نیز در نامه بعدی - پنجمین نامه ده نامه - غزلی ۹ بیتی را درج در نامه خویش که به مثنوی است می‌کند و برای معشوق می‌فرستد چند بیت زیر از آن غزل است:

دل از ما برگرفتی ییاد می‌دار	جفا از سر گرفتی یاد می‌دار
به دست من ندادی زلف و با من	به مویی در گرفتی یاد می‌دار
چو دستم تنگ دیدی چون دهانت	کسی دیگر گرفتی یاد می‌دار
دل من ریش کرد دیگری را	چون جان در بر گرفتی یاد می‌دار

(کلیات اوحدی، ص ۴۶۷)

این نامه‌نگاری‌های دو طرفه ادامه پیدا می‌کند تا این که دل سنگین معشوق در پایان نرم می‌شود و غزل مندرج در نامه دهم که از زبان معشوق است اینگونه حاکی از برسر آمدن و مژده وصال به عاشق است:

که روز غم به سر خواهد شد آخر	سخن نوعی دگر خواهد شد آخر
نهال آرزو در سینه و دل	به شادی بارور خواهد شد آخر
چو زر بود از جفا روی تو اول	ولی کارت چو زر خواهد شد آخر
بخوایم داد کام دوستان را	حکایت مختصر خواهد شد آخر
دهان عاشق از لوزینه وصل	پر از شهد و شکر خواهد شد

(کلیات اوحدی، صص ۴۷۷ و ۴۷۸)

دیگر از ده نامه‌های دوسویه در ادب فارسی، ده نامه "عشاق نامه" عبید زاکانی است. (عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، از ص ۱۴۱ تا ص ۱۷۳) ده نامه عبید منظومه‌ای است در هفتصد بیت بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدس محذوف / مقصور» که عبید در دو هفته آنرا به اتمام رسانده است. در این ده نامه شاعر خود عاشق است و ده نامه در واقع شرح احوال عاشقی اوست و بر خلاف ده نامه‌های دیگر که فراق به وصال می‌انجامد در این ده نامه شاعر قبلاً وصال داشته و این وصال به به فراق کشیده شده و بیشتر ده نامه درد دل عاشق (شاعر) است و در پایان نیز شاعر منتظر وصال می‌باشد. در ده نامه عبید شش غزل به کار رفته که تمامی غزلها بر وزن خود مثنوی است. دو غزل از شش غزل فوق از همام تبریزی است که

عبید تضمین کرده است. نکته جالب در غزلیات به کار رفته در عشاق نامه عبید این است که هر چهار غزل عبید - با اندکی اختلاف - در دیوان او موجود است شاید علت این امر آن باشد که در عشاقنامه، عبید خود عاشق می‌باشد و در واقع شاعر و عاشق هر دو یکی است. عبید این ده نامه را در سال ۷۵۱ هجری به نام شاه ابواسحق اینجو سروده است.

از دیگر ده نامه‌های دوسویه، ده نامه (تحفه‌العشاق) رکن صاین هروی است بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» که در سال ۷۵۱ هجری - همزمان با سال سروده شدن ده نامه عبید - سروده شده است. شاعر، این ده نامه را به تقلید از ده نامه اوحدی در وصف عشق و راز و نیازی که با معشوق خود در عالم خیال داشته سروده است. و بسان ده نامه‌سرایان، غزل‌هایی از زبان هر یک از دو قطب عشق در مطاوی مثنوی آورده است. (صفا، ذ، تاریخ ادبیات در ایران، ۹۴۴/۳)

ده نامه (محبّت نامه) ابن نصح شیرازی از دیگر ده نامه‌های دو سویه است. (ابن نصح شیرازی، محبّت نامه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، به شماره ۳۵۲ س س) ده نامه ابن نصح داستان عشقی خود اوست در بیش از هزار بیت که دارای هشت غزل است و احتمالاً دو غزل آن افتاده است (عراقی، ف، کلیات فخرالدین عراقی صفحه پنجاه و شش) غزلها بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» یعنی وزن مثنوی می‌باشد. پایان این منظومه نیز به وصال می‌انجامد.

از دیگر ده نامه‌های مشهور دوسویه در ادب فارسی ده نامه (روضه المحبین) ابن عماد خراسانی شیرازی است. (ابن عماد خراسانی شیرازی، روضه المحبین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، به شماره ۱۴۱۰۴/۱) ده نامه ابن عماد منظومه‌ای است در ۷۶۰ بیت بر وزن «مفعول مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس اخرب مقبوض محذوف / مقصور» که سرانجام آن نیز مانند بسیاری ده نامه‌ها به وصال منجر می‌شود. آخرین غزل ده نامه که از زبان معشوق خطاب به عاشق است اینگونه حاکی از بر سر مهر آمدن معشوق است:

من زان توام دگر چه خواهی	جانان توام دگر چه خواهی
تو بلبل خوش نوایی و من	بستان توام دگر چه خواهی
گر زآنکه برفت دل ز دستت	من جان توام دگر چه خواهی
گر درد تو بود از من اکنون	درمان توام دگر چه خواهی
من بعد ز راه لطف هر شب	مهمان توام دگر چه خواهی
حقاً نشود دگر فراموش	پیمان توام دگر چه خواهی
ای ابن عماد از دل و جان	خواهان توام دگر چه خواهی

(ابن عماد خراسانی شیرازی، روضه المحبین (ده نامه)، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره: ۱/۱۴۱۰۴، بدون شماره گذاری صفحه، ۳ صفحه مانده به آخر)

برخلاف بسیاری از ده‌نامه‌های دیگر، شاعر این ده‌نامه را به صرافت طبع سروده و برای ممدوح یا فردی از معاصران خود نساخته است. (صفا، ذ، تاریخ ادبیات در ایران، ۳ / ۱۱۲۸) ده‌نامهٔ ابن‌عماد یکی از مشهورترین ده‌نامه‌ها در ادب فارسی است. تمامی غزلیات ده‌نامهٔ ابن‌عماد (هر ده‌غزل) بر وزن مثنوی است و تقریباً مطلع تمامی غزلیات با بیت ماقبل موقوف‌المعانی است. در این ده‌نامهٔ ده‌بیت مفرد (فرد) نیز به کار رفته که بلافاصله بعد از «غزل» و پیش از «تمامی سخن» آمده است. لازم به توضیح است که این منظومه از نظر آرایش کلام به طرح اصلی ده‌نامه‌های دوسویه یعنی منطق‌العشاق اوحدی بسیار شبیه است و هر نامه که در واقع یکی از ده بخش داستان است بصورت «نامه»، «غزل»، «فرد»، «تمامی سخن» و «رسانیدن پیغام» آرایش یافته است. (عیوضی، ر، ده‌نامه‌گویی در ادب پارسی، صص ۵۴۰ و ۵۴۱)

از دیگر ده‌نامه‌های دو سویه در ادب فارسی، ده‌نامه (محبوب‌القلوب) حریری است بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور که ظاهراً تمامی غزلیات به کار رفته در آن بر وزن خود مثنوی است آرایش این ده‌نامه نیز طرحی استوار دارد و بصورت «نامه (از زبان عاشق یا معشوق)»، «غزل»، «حکایت»، «حقیقت سخن»، «فرستادن پیک»، «بیان واقع»، «نامه رسانیدن پیک» و «خلاصهٔ سخن» می‌باشد.

از ویژگی‌های این ده‌نامه این است که شاعر برای هر نامه پیک‌ی جداگانه برگزیده است:

به هر نامه معین شد رسولی که باشد هر فروعی را اصولی

شاعر نام‌های ده‌پیک را «در سبب نظم کتاب» چنین برشمرده: باد، آب، پروانه، شمع، بلبل، گل، آینه، شانه، ماه و آفتاب. و هر یک را به صفتی ویژه ستوده است. (عیوضی، ر، ده‌نامه‌گویی در ادب پارسی، صص ۵۵۰ و ۵۵۱)

از دیگر ده‌نامه‌های دوسویه در ادب فارسی ده‌نامه (روضه‌العاشقین) عزیزالله زاهدی است. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این ده‌نامه در میان ده‌نامه‌های دوسویه این است که بر خلاف ده‌نامه‌های دیگر که همه به بحر هزج مسدّس است این ده‌نامه به بحر خفیف و بر وزن حدیقه‌الحقیقه سنایی است. دیگر ویژگی این ده‌نامه این است که بر خلاف ده‌نامه‌های دیگر که اصولاً در قرن هشتم سروده شده‌اند، این ده‌نامه در قرن نهم (سال ۸۲۰ هجری قمری) سروده شده است. از دیگر ویژگی‌های خاص این ده‌نامه نیز این است که مقدمه‌ای به نثر دارد و در ده‌نامه‌های دیگر مقدمه‌ای منثور یافت نمی‌شود. ویژگی مهم دیگر این ده‌نامه، التزام دو آرایه تجنیس و ذوقافیتین در تمام ابیات آن می‌باشد. این ده‌نامه در یک‌هزار بیت می‌باشد. (صفا، ذ، تاریخ ادبیات در ایران، ۴ / ۴۶۰ و ۴۶۱)

البته غیر از ده‌نامه‌های فوق، ده‌نامه‌های دیگری نیز در ادب فارسی داریم که شهرت و اهمیت آنها کمتر است یا گمنام‌تر می‌باشد؛ مثل ده‌نامه (روح‌العاشقین) شاه شجاع مظفری،

ده‌نامه فتّاحی نیشابوری، ده‌نامه محمود عارفی هروی، ده‌نامه (عشرت‌نامه) عیسی شیرازی و... (انوشه، ح، فرهنگنامه ادبی فارسی، ص ۵۹۹)

سی‌نامه‌ها

«سی‌نامه‌ها» گونه‌ای دیگر از ده‌نامه‌ها هستند که تعداد نامه‌ها در آن به جای ده به «سی» می‌رسد. این منظومه‌ها به پیروی از ده‌نامه‌ها سروده شده‌اند. از سی‌نامه‌های مشهور می‌توان به سی‌نامه امیرحسین حسینی هروی و سی‌نامه (محب و محبوب) کاتبی ترشیزی (نیشابوری) اشاره کرد. شباهت این سی‌نامه‌ها با ده‌نامه‌ها در این است که همچون ده‌نامه‌ها حاوی نامه‌هایی است و همچون ده‌نامه‌ها در موضوع عشق و سخنان عاشق و معشوق با همدیگر است. مضاف به اینکه برخی سی‌نامه‌ها مانند سی‌نامه کاتبی همچون ده‌نامه‌ها غزلیاتی را چاشنی مثنوی کرده‌اند. از دیگر شباهت سی‌نامه‌ها با ده‌نامه این است که مانند بیشتر ده‌نامه‌ها در بحر هزج می‌باشد.

این سی‌نامه‌ها شور و زیبایی ده‌نامه‌ها را ندارد و این، ناشی از ضعف شاعر و فقدان شعر از آرایه‌های ادبی نیست. چرا که سی‌نامه‌سرایان یاد شده حداقل از نظر قدرت شاعری اگر از برخی ده‌نامه‌سرایان قوی‌تر نباشند ضعیف‌تر نیستند افزون بر این که این سی‌نامه‌ها عاری از آرایشهای بیانی و بدیعی نیست و از نظر زیبایی کلام چه بسا از برخی ده‌نامه‌ها بالاتر باشد. به نظر می‌رسد که علت مهم پر جاذبه نبودن سی‌نامه‌ها، طولانی‌شدن نامه‌هاست که از حد معمول و متعارف (ده نسخه‌نامه) فراتر رفته است و به چند برابر (سی نسخه‌نامه) رسیده است و باعث شده که ایجاز شیرین ده‌نامه‌ها را نداشته باشد. مضاف به این که در برخی سی‌نامه‌ها همچون سی‌نامه امیرحسینی، غزلی در مطاوی مثنوی نیامده است. شکی نیست که درج غزل در لا به لای مثنوی، تنوع و ملاحظتی به منظومه می‌بخشد که غیر قابل انکار است بویژه اگر این غزلیات از زبان عاشق و معشوق به همدیگر و بیانگر نیاز و ناز آن‌ها باشد.

سی‌نامه امیرحسین حسینی هروی مثنوی‌ای است در یک‌هزار و سیصد و شصت بیت بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» که تمام سی‌نسخه نامه از زبان عاشق خطاب به معشوق می‌باشد. (حسینی هروی، ا. ح، مثنوی‌های عرفانی امیرحسینی هروی، از ص ۱۴۱ تا ص ۲۰۳) از ویژگی‌های سی‌نامه امیرحسینی این است که شاعر در اواخر هر نامه نام خود (حسینی) را ذکر می‌کند و در چند بیت خطاب به خود، خویش را پند می‌دهد و آخرین بیت هر نامه را با «بیا ساقی» یا «بده ساقی» شروع می‌کند. اصولاً پندی که شاعر در اواخر نامه‌ها به خود می‌دهد با موضوع هر نامه در ارتباط است.

سی‌نامه (محب و محبوب) کاتبی ترشیزی (نیشابوری) - شاعر قرن نهم هجری - نیز

شهرت فراوانی دارد. این سی نامه - که نام ده نامه نیز بر آن نهاده‌اند - منظومه‌ای است بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور» در بیش از یک‌هزار و یکصد بیت در سی نسخه نامه که عاشق و معشوقی محب و محبوب نام به یکدیگر نوشته‌اند. (کاتبی ترشیزی، ش. م، محب و محبوب یا سی نامه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳/۲۶۱۵، از ص ۱۶۹ تا ص ۲۵۵) در این سی نامه - مانند بسیاری ده نامه‌ها - نتیجه نام‌نگاریها به وصال ختم می‌شود. پیک محب و محبوب در این سی نامه «صبا» - پیک رایج و مشهور در ده نامه‌ها و همچنین در ادب فارسی - می‌باشد. در سی نامه کاتبی سی غزل وجود دارد که تمامی غزلها بر وزن خود مثنوی است. غزلیات به ترتیب یک در میان از زبان عاشق و معشوق است. یعنی نامه‌ها و به تبع آن غزلهای به شماره فرد از عاشق و نامه‌ها و به تبع آن غزلهای به شماره زوج از معشوق می‌باشد. جز دو غزل، بقیه غزلیات عاری از ردیف است و جز یک غزل که چهار بیتی است بقیه غزلها پنج بیتی می‌باشد.

ده نامه‌های ترکی

سرودن ده نامه از ادب فارسی به ادب ترکی نیز سرایت کرد. یکی از مشهورترین ده نامه‌های ترکی، ده نامه شاه اسماعیل اول صفوی (خطایی) است که بیش از یک‌هزار و پانصد بیت دارد و به شیوه ده نامه‌های دوسویه در ادب فارسی سروده شده است و حاوی ده نسخه نامه از سوی عاشق و معشوق به همدیگر می‌باشد. (صفوی، ش. ا. خطایی)، از ص ۵۲۷ تا ص ۶۷۳) ده نامه خطایی بر وزن «مفعول مفاعیلن فعولن / مفاعیل: بحر هزج مسدّس اُخر مقبوض محذوف / مقصور» هموزن ده نامه ابن عماد بوده و حاوی ۲۷ غزل می‌باشد که آنها نیز بر وزن خود ده نامه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

ده نامه، گونه‌ای از ادبیات غنایی است که بیشتر در قرن هشتم سروده شده و در حالات عاشق و معشوق می‌باشد. بیشتر ده نامه‌ها به بحر هزج مسدّس محذوف / مقصور بوده و معمولاً غزلیاتی از زبان عاشق و معشوق در مثنوی درج است. ده نامه‌ها همه یک گونه نیستند و می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ده نامه‌های بی‌نامه، ده نامه‌های یکسویه و ده نامه‌های دوسویه. ده نامه‌های دوسویه متعارف‌ترین و زیباترین نوع ده نامه می‌باشد. ذکر نشدن نام معشوق در ده نامه ذهن را به سوی عرفانی بودن اثر متوجه می‌کند. گنجاندن غزل در میان مثنوی بر زیبایی سخن می‌افزاید.

سی نامه‌ها در ادب فارسی به پیروی از ده نامه‌ها سروده شده‌اند.
ده نامه‌سرایی به علت زیبایی و ملاحظه ده نامه از ادب فارسی به ادب ترکی نیز سرایت کرد.

منابع

- ۱- ابن عماد خراسانی شیرازی، روضه المحبّین (ده نامه)، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ش ۱/۱۴۱۰۴ (۱۶۴) پ ۱۷۶ پ).
- ۲- ابن نضوح شیرازی، ف، محبت نامه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ش ۳۵۲ س س.
- ۳- امیر خسرو دهلوی، قران السّعدین، اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۹۶ هـ.ق.
- ۴- انوشه، ح، فرهنگنامه ادبی فارسی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ق.
- ۵- اوحدی اصفهانی (مراغی)، ا، کلیات اوحدی اصفهانی (مراغی)، نفیسی، س، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۶- حسینی هروی، ا.ح، مثنویهای عرفانی امیر حسینی هروی، ترابی، م، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۷- خواجهی کرمانی، م، خمسه خواجهی کرمانی، نیاز کرمانی، س، چاپ اول، کرمان، دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۸- رامی، ش، انیس العشاق و چند اثر دیگر، کیانی، م، چاپ اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۹- رستگار فسایی، م، انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۱۰- سلمان ساوجی، جمشید و خورشید، آسموسن، ج. پ. و وهمن، ف، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ هـ.ش.
- ۱۱- صفا، ذ، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۳۷۰ هـ.ش، جلد سوم و چهارم، چاپ هفتم، تهران، فردوس.
- ۱۲- صفوی، ش.ا. (خطایی)، دیوان خطایی. ترکی - فارسی، ۱۳۸۰ هـ.ش، اسماعیل زاده، ر، تهران، المهدی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۱۳- عبید زاکانی، کلیات عبید زاکانی، اقبال آشتیانی، ع، چاپ چهارم، طلوع، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۴- عراقی، ف، کلیات فخرالدین عراقی، محتشم، ن، چاپ دوم، تهران، زوار، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۱۵- عماد فقیه کرمانی، ع، پنج گنج، همايونفرخ، ر، دانشگاه ملی ایران، ۲۵۳۷ شاهنشاهی.
- ۱۶- عیوضی، ر، ده نامه‌گویی در ادب پارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره مسلسل: ۱۱۶، ۱۳۵۴ هـ.ش.
- ۱۷- عیوقی، ورقه و گلشاه، صفا، ذ. ، چاپ دوم، تهران، فردوس، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۱۸- فخرالدین گرگانی، ا، ویس و رامین، روشن، م، چاپ دوم، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۱۹- کاتبی نیشابوری (ترشیزی)، ش. م، محب و محبوب (سی نامه)، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ش ۳/۲۶۱۵، (ص ۱۶۹ - ۲۵۵).
- ۲۰- ناظر زاده کرمانی، ف، تحلیل دیوان و شرح حال عماد الدّین فقیه کرمانی، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۲۱- همام تبریزی، ع، دیوان همام تبریزی، عیوضی، ر، چاپ دوم، تهران، صدوق، ۱۳۷۰ هـ.ش.